

پژوهشهای حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۸

هزار و سیصد و نود و هشت - تابستان

۷	• مسئولیت کیفری وکیل دادگستری دکتر بیژن حاجی عزیزی - سیده مریم اعتماد
۲۷	• تعارض میان منفعت عمومی جامعه و منفعت فردی دولت‌ها دکتر حوریه حسینی اکبرنژاد
۴۵	• دسترسی به غذای کافی، به‌عنوان یک حق بشری در نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت دکتر نجمه رزمخواه
۶۹	• نقدی بر ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی در باب تکرار جرم آزاده قربانی - آرزو قربانی
۷۹	• پلیس مسئله‌محور و ترس از جرم دکتر سید مهدی سیدزاده‌ثانی - سعید کرمانی
۱۰۷	• تعامل تمامیت ارضی با حقوق و آزادی‌های مشروع از منظر ملی و بین‌المللی دکتر هدیه‌سادات میرترابی - دکتر سبحان طیبی
۱۳۷	• روند کاهش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس حمید شالی
۱۵۹	• تحلیل حقوقی ترابردپذیری شماره تلفن همراه در ایران؛ در پرتو مطالعات تطبیقی سید هاشم مداح‌حسینی - رجب فلاحی - سارا مرتضی‌قلی
۱۷۷	• آثار شرط سقوط یا کاهش مسئولیت در حقوق ایران با نگاهی به نظام حقوقی انگلستان دکتر حجت مبین - امین امیرحسینی
۱۹۹	• ساز کارهای صیانت از حق استفاده از زبان مادری در مراجع بین‌المللی و ملی دکتر سید قاسم زمانی - فرهاد عابدینی سعدآباد
۲۳۱	• اصل مصونیت در برابر خوداتهامی در محاکم کیفری بین‌المللی علیرضا قرقانی





تعامل تمامیت ارضی با حقوق و آزادی‌های مشروع از منظر ملی و بین‌المللی

دکتر هدیه‌سادات میرترابی* - دکتر سبحان طیبی**

چکیده:

امروزه، حفظ استقلال و تمامیت ارضی و مرزی کشورها به‌عنوان یک اصل جهانی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. سازمان ملل، حقوق بین‌الملل و قانون اساسی کشورها، مهم‌ترین منادیان چنین نگرشی هستند. استقلال ارضی و تمامیت ارضی از یک سو و حفظ حقوق و امنیت انسانی از محورهای بسیار مهم این پژوهش به‌شمار می‌آید. همچنین نگاه مختصر به وضعیت حفظ تمامیت ارضی در خاورمیانه نیز به ما در این پژوهش به‌عنوان یک نمونه یاری رسانده است. به استناد اصول متعدد قانون اساسی، وحدت ملی و تمامیت ارضی، شرط لازم استقلال جمهوری اسلامی ایران شمرده می‌شود. به همین دلیل، اصل نهم قانون اساسی آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور را از یکدیگر جدانشدنی و حفظ آن را وظیفه حکومت ملت پایه و آحاد ملت می‌داند. حفظ تمامیت ارضی ایران و مرزهای بین‌المللی آن، به شدت مورد احترام و حمایت عامه مردم و تعدی به آن، به منزله تجاوز به کشور و اقتدار عمومی است. از طرفی قبول و شناخت آزادی‌های مختلف برای اقوام و قبایل گوناگون در کشور، نباید موجب لطمه به تمامیت ارضی یا محلی برای تجزیه‌طلبی شود. فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با الهام از مبانی تفکر اسلامی، انواع آزادی‌های اساسی مردم را مورد توجه و حمایت قرار داده است. تبیین دقیق رابطه آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی می‌تواند در جلوگیری از پیدایش استبداد و نیز وابستگی و تجزیه کشور، مؤثر بوده و جامعه را به سمت‌وسوی نیل به سعادت سوق دهد.

مجله پژوهش‌های حقوقی (فصلنامه علمی - ترویجی)، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۸
صفحه ۱۰۷-۱۲۶، تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۶/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۲

* دکترای حقوق عمومی، دانشگاه تهران، ایران، نویسنده مسئول
** دکترای حقوق محیط‌زیست، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران
Email: mirtorabi52@yahoo.com
Email: sobhantayebi@yahoo.com

کلیدواژه‌ها:

تمامیت ارضی، آزادی‌های مشروع، حقوق اساسی، اصل حاکمیت، چالش و راهبرد، بررسی تطبیقی گذرا.

مقدمه

با بررسی سوابق تاریخی درمی‌یابیم که در رابطه اصول سه‌گانه آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی با یکدیگر هیچ‌گاه جانب اعتدال نگه‌داشته نشده و گاه با دستاویز قرار دادن استقلال و وحدت و تمامیت ارضی، آزادی سرکوب و منکوب گشته و یا با سوءاستفاده از آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور به ورطه نابودی کشانده شده است. لذا تبیین دقیق رابطه آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی می‌تواند در جلوگیری از پیدایش استبداد و نیز وابستگی و تجزیه کشور، مؤثر بوده و جامعه را به سمت و سوی نیل به سعادت سوق دهد.

پرسشی که در اینجا به میان می‌آید آن است که آیا احتمال بروز تزامم میان اصول یادشده وجود دارد و در چنین فرضی، حفظ کدام اصل بر دیگری تقدم دارد؟ پرسش دیگر آنکه آیا قائل شدن به ترتیب میان اصول یادشده، در مواقع تزامم، به تفکیک‌ناپذیری این اصول خدشه وارد می‌کند؟

مفهوم تمامیت ارضی و مرزهای جغرافیایی آن، مبین گستره جغرافیایی حاکمیت و صلاحیت کشورهاست و یکی از موضوعات مشترک و مورد مطالعه جغرافیایی سیاسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل و فقه سیاسی است. این مفهوم یکی از ارکان پایدار تشکیل‌دهنده کشور و حفظ حدود مرزهای آن و نیز جزء اصول و منافع حیاتی و اولیه تمام حکومت‌هاست.^۱

در جامعه بین‌المللی دولت‌محور، اصل حاکمیت دولت‌ها در واقع سنگ‌بنای نظم حقوقی تلقی می‌شود.

یکی از آثار حاکمیت دولت‌ها و برابری حقوقی آنها این است که آزادی عملشان محدود به رعایت تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌های دیگر شده است. لذا، نه تنها این اصل مسلم حقوقی نوعی پوشش حمایتی را به لحاظ جغرافیایی برای دولت‌ها ایجاد کرده بلکه

۱. بهادر زارعی، یاشار ذکی، «اصل تمامیت ارضی از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش جغرافیایی انسان

ضامن حفظ وضع موجود و منشأ حفظ صلح و امنیت بین‌المللی گردیده و بنابراین، امنیت بین‌المللی به بهترین وجه با امنیت ملی دولت‌های سرزمینی هم‌ساز شده است.^۲

تحقیق پیش رو به روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته و اساس کار مبتنی بر تحقیقات آرشیوی و کتابخانه‌ای با امعان نظر به منابع داخلی و خارجی صورت گرفته است.

۱- تمامیت ارضی

۱-۱- مفهوم تمامیت ارضی

در تعریف تمامیت ارضی باید واژه «مرز» را تعریف کرد. «مرزها، خطوط دقیقی هستند که بر روی یک نقشه کشیده شده‌اند و قلمرو یک ملت را مشخص می‌کنند و نقض آنها، به‌مثابه تجاوز به تمامیت ملت تلقی می‌شود.»^۳

۱-۲- تمامیت ارضی به‌منزله تخطی‌ناپذیری حرمت مرزهای سیاسی

تمامیت ارضی مبین قلمرو حاکمیت و صلاحیت کشورهاست. قدرت‌های عمومی حاکم بر کشورها در محدوده سرزمین خود از اختیارات تام و تمام زمامداری برخوردارند و برای مردم ساکن آن، ایجاد حق و تکلیف می‌کنند. این زمامداری، طبعاً در محدوده مرزهای شناخته‌شده متوقف می‌شود و به‌این ترتیب، کشورها از یکدیگر بازشناخته می‌شوند و روابط بین‌المللی در نظمی خاص شکل می‌گیرد.^۴

تمامیت ارضی در معنای مضیق که در برخی از رویه‌های بین‌المللی نیز منعکس شده است، به مفهوم یکپارچگی و عدم تلاشی سرزمینی تلقی می‌شود. لذا در صورتی که توسل به زور تنها حالت موقت داشته و بدون قصد با نتیجه استیلاء بر بخشی از سرزمین یک دولت باشد (نظیر حمله به یک هدف در داخل یک دولت و خروج از قلمرو آن دولت متعاقب آن)، تمامیت ارضی را خدشه‌دار و نقض نخواهد گردید. این استدلال به‌ویژه از سوی رژیم صهیونیستی در قضیه حمله به نیروگاه هسته‌ای تموز در سال ۱۹۸۶ مطرح شد.^۵

۲. نادر ساعد، «مفهوم تمامیت ارضی در نظم حقوق بین‌المللی»، *مجله اطلاع‌رسانی حقوقی* ۷ (۱۳۸۳)، ۳۱.

۳. عباس جعفری، «تعامل آزادی و امنیت»، *مجله تعالی حقوقی* ۷ (۱۳۸۹)، ۸.

۴. سید محمد هاشمی، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران* (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۴)، ۲۲۰.

۵. ساعد، پیشین، ۳۴.

همان‌طور که در قطعنامه‌های مختلف مجمع عمومی سازمان ملل متحد و همچنین رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه آمده است، هر دولت باید نحوه اداره امور داخلی خود را آزادانه تعیین نماید. هرچند اصل تمامیت ارضی مانع از آن است که از طریق فشار خارجی، آزادی اراده یک دولت در تصمیم‌گیری معلول و خدشه‌دار شود اما تمامیت ارضی، مانند ورود به عنف به مأوای یک دولت تلقی می‌شود که حتی ارتکاب آن بدون قصد آسیب رساندن به دولت حاکم و به اشتباه نیز رفع مسئولیت نخواهد بود.^۶

به نظر می‌رسد که نقض تمامیت ارضی به هر اقدامی اطلاق می‌شود که قصد یا نتیجه آن برهم زدن یکپارچگی و وحدت سرزمینی، کاهش گستره مرزهای جغرافیایی شناخته‌شده بین‌المللی باشد و هرگونه اقدام خارجی که بدون مجوز قانونی و مشروع مرزهای یک کشور را هدف حمله مسلحانه قرار داده، خواه به ورود به درون مرزها منجر شود یا خیر.

۱-۳- تمامیت ارضی از منظر جغرافیای سیاسی

جغرافی‌دانان سیاسی در چند دهه گذشته، تعریف و تحلیل متفاوتی از مفهوم تمامیت ارضی کشور ارائه کرده‌اند. برخی از اندیشمندان سرزمین را بخشی از جلوه‌گاه جغرافیایی می‌دانند که با ادامه فیزیکی قلمرو یک کشور برابری پیدا می‌کند. این مفهوم گسترده فیزیکی با حمایت سیاسی، یک ساختار حکومتی به خود می‌گیرد. مفهوم فوق پهنه فیزیکی یک سیستم سیاسی را معرفی می‌کند که در حکومت ملی یا در بخشی از آن که از گونه‌ای اقتدار برخوردار باشد پایدار می‌شود. این تعریف مبین جدایی‌ناپذیری جنبه‌های سیاسی مفهوم سرزمین از مفهوم حکومت است.^۷

آنچه مسلم است عامل سرزمین هم هویت‌بخش کشور است و هم سازنده حاکمیت یک ملت در عرصه جهانی، زیرا وجود سرزمین و قلمرو ویژه برای یک ملت دارای حاکمیت، امری ضروری است. به‌ویژه در شرایط فعلی، روابط بین‌المللی هیچ جامعه‌ای با جامعه جهانی بدون آن معقول نخواهد بود. «زیرا در قراردادهای بین‌المللی، حکومت‌ها به نمایندگی از جانب مردم خودشان پیمان‌هایی را امضاء می‌کنند و بدون وجود مرز و مشخص بودن قلمرو، این نمایندگی دچار اختلال‌های بسیاری خواهد شد».^۸

۶ همانجا.

۷. پیروز مجتهدزاده، *جغرافیای سیاسی - سیاست جغرافیایی* (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱)، ۳۸.

۸. حسین ابراهیمی، *اسلام و حقوق بین‌الملل* (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹)، ۳۰۸.

به‌نظر می‌رسد آنچه تا به اینجا بیان شد نقش تعیین‌کننده سرزمین و مرزهای آن از ابعاد ذیل دارای ارزشی بنیادی و قابل‌بررسی است:

۱- سرزمین، قلمرو حقوقی و سیاسی جماعات را مشخص نموده، اندیشه پایداری ملت‌ها را تسهیل می‌کند. در داخل مرزهای مشخص است که مردم احساس وابستگی نسبت به آب و خاک خود را می‌نمایند؛

۲- سرزمین مبین قلمرو حاکمیت و صلاحیت کشورهاست. قدرت‌های عمومی حاکم بر کشورها در محدوده سرزمین خود از اختیارات تام و تمام زمامداری برخوردارند و برای مردم ساکن آن ایجاد حق و تکلیف می‌کنند. این زمامداری طبعاً در محدوده مرزهای شناخته‌شده متوقف می‌گردد و بدین ترتیب کشورها از یکدیگر بازشناخته می‌شوند و روابط بین‌المللی در نظامی خاص شکل می‌گیرد.^۹

باتوجه به قانون اساسی و عملکرد ایران یکی از اهداف کلان نظام سیاسی حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی است.

۱-۴- مسئله تمامیت ارضی در اسناد بین‌المللی

پس از جنگ جهانی دوم، رهایی از بلایای ناشی از جنگ سبب شد که جبهه‌ای در حمایت از توقف مؤثر جنگ و ایجاد صلح پدیدار گردد. ویلسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در اعلامیه چهارده ماده‌ای خود اعلام کرد که مجمع عمومی دولت‌ها باید بر اساس معاهدات خاصی به‌منظور تضمین متقابل اعطای استقلال سیاسی و تمامیت ارضی به دولت‌های کوچک ایجاد شود و مبنای شکل‌گیری جامعه ملل را دفاع و تضمین این تمامیت عنوان کرد. باین‌حال در اعلامیه مسکو ۱۹۴۳، بنیاد تأسیس ملل متحد بر اصل تساوی استقلال کلیه کشورهای صلح‌طلب استوار شد و مسئله تمامیت ارضی مسکوت ماند.^{۱۰}

منشور ملل متحد با تصمیم به حفظ نسل‌های آینده از بلای جنگ و برای نیل به مدارا و زیست جمعی در صلح، تنظیم و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از وقوع هرگونه عمل تجاوزکارانه به‌عنوان تحسین هدف این سازمان شناخته شد. بدون شک، نقض تمامیت ارضی یکی از مهم‌ترین مصادیقی است که به تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی و وقوع تجاوز خواهد انجامید و رسالت سازمان ملل متحد باید جلوگیری از این امر باشد. از طرف

۹. هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ۲۲۰.

۱۰. ساعد، پیشین، ۳۳.

دیگر، اصل برابری حاکمیت دولت‌ها یکی از اصولی است که سازمان ملل متحد بر آن استوار است. از این رو، هیچ دولتی نمی‌تواند با نقص تمامیت ارضی دیگر دولت‌ها، وضعیت برابری حقوقی دولت‌های حاکم را برهم زده و در جستجوی کشورگشایی یا ایجاد امپراتوری باشد. در کنار این نگرش‌های تلویحی، بند ۴ ماده ۲ منشور صراحتاً به اصل تمامیت ارضی دولت‌ها اختصاص دارد بر این اساس:

کلیه دولت‌های عضو ملل متحد باید در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا توسل به آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا هر روش دیگری که با اهداف ملل متحد مغایرت داشته باشد، خودداری ورزند.

در این بند، تمامیت ارضی دولت‌ها مورد حمایت قرار گرفته و کاربرد زور یا تهدید به زور علیه آن منع گردیده است. این اصل که منع توسل به زور نام دارد، یکی از اصول مسلم حقوق بین‌الملل و حتی یک قاعده آمره و تخطی‌ناپذیر تلقی می‌شود.^{۱۱}

علاوه بر آن در آخرین مادهٔ سند نهایی کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا (۱۹۷۵) بر «اصل وحدت سرزمینی کشورها» تأکید شده و این اصل مقدمه‌ای برای تحقق اصل مصونیت و یکپارچگی سرزمین‌ها تلقی گردیده است. مادهٔ بیانیۀ اصول سند نهایی می‌گوید:

کشورهای عضو به وحدت سرزمینی یکدیگر احترام می‌گذارند؛ بنابراین، از انجام هر عملی که منافی با اهداف و اصول مندرج در منشور ملل متحد در خصوص وحدت سرزمینی و استقلال سیاسی کشورهای عضو باشد به‌ویژه اقداماتی که در آن از زور و قوای قهریه استفاده شود، خودداری خواهند ورزید.

این قسمت از مادهٔ ۴ گسترده‌تر از عبارات موجود در منشور ملل متحد است چراکه تأکید عمده‌ای بر منع هرگونه اقدام بر ضد وحدت سرزمینی کشورها دارد، درحالی‌که منشور ملل متحد تنها از منع استفاده از زور یا تهدید استفاده از زور صحبت می‌کند.^{۱۲} می‌توان نتیجه گرفت که عبارات موجود در مادهٔ ۴ متضمن فهرست گسترده‌تری از اعمال تحریم‌شده نسبت به غیرقابل تقسیم بودن کشورهای امضاءکننده است.

۱۱. برنو سیمبا، «ناتو، سازمان ملل و جنبه‌های حقوقی استفاده از زور»، ترجمه محمدجعفر قنبری جهرمی، مجله حقوقی ۲۴ (۱۳۷۸)، ۲۸۲.

۱۲. رضا سیمبر، «منع تجاوز، مصونیت مرزی و وحدت سرزمینی در حقوق بین‌الملل»، مجله سیاسی اقتصادی ۱۶۹-۱۷۰ (۱۳۸۰)، ۷۲.

۵-۱- چالش‌های کنونی فراروی اصل تمامیت ارضی

دو سؤال در این رابطه مطرح است: اول اینکه حدود اصل احترام به تمامیت ارضی چیست؟ و ثانیاً آیا این اصل جدایی‌طلبان را نیز پایبند می‌سازد یا خیر؟ این اصل در نگاه اول ناظر بر منع توسل به زور است. خصوصاً آنکه بند ۴ ماده ۲ منشور از منع توسل یا تهدید به زور علیه تمامیت ارضی یک کشور سخن به میان آورده است؛ اما این دو مفهوم رابطه یکسانی ندارند؛ چراکه تنها یکی از اشکال توسل به زور ایراد خدشه به تمامیت ارضی است. همین‌طور خدشه به تمامیت ارضی ممکن است بدون توسل به زور محقق شود چنان‌که با لغو نارسایی مرزهای یک کشور، ممکن است این اصل نقض شود. لذا رابطه دو مفهوم توسل به زور و نقض تمامیت ارضی یک رابطه عموم و خصوص من وجه است.

برای آشتی دادن میان دو مفهوم اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها و جدایی استدلال‌های مختلفی طرح می‌شود:

اول، استناد به بند ۷ ماده ۲ (عدم‌مداخله) برای ممنوعیت شناسایی جدایی به‌راحتی قابل‌قبول نیست؛ چراکه باید ثابت شود اصل عدم‌مداخله مرتبه‌ای بالاتر از حق تعیین سرنوشت دارد در صورتی‌که باتوجه به اقدامات یک‌جانبه ملل متحد در طول عمر ۶۰ساله‌اش در سرزمین‌های غیرخودمختار، این استدلال به چالش کشیده می‌شود. هرچند می‌توان گفت که اقدام ملل متحد در اکثر این موارد در راستای استعمارزدایی بوده است و در موارد غیراستعماری رویه‌ای ندارد اما با رویکردی هنجاری می‌توان استدلال کرد که «تحت نظام منشور ملل متحد، عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها مصلحت و ضرورتی اخلاقی محسوب می‌شود. محدودیت وارد بر دخالت در مسائل اساساً تحت صلاحیت داخلی، حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی است.» (و هدف صلح و امنیت بین‌المللی حمایت از جوامع سیاسی یعنی مردم است نه حمایت از سرزمین یا متعلقات آن)؛^{۱۳}

دوم، استدلال دیگر اینکه اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها بر اصلی بنیادی‌تر پایه‌ریزی شده است و آن اصل حاکمیت مؤثر است. حاکمیت چه ناشی از زور نظامی باشد و چه ناشی از شناسایی آن از سوی ثالث، مفهومی دومانظوره است؛ به این معنا که کشورها پذیرفته‌اند هرکجا حاکمیت مؤثر مستقر شد، می‌توانند آن را به‌عنوان کشوری مستقل شناسایی کنند، چه این حاکمیت متعلق به کشورهای از پیش موجود باشد چه متعلق به گروه

13. Brad R. Roth, *Governmental in Illegitimacy International Law* (Oxford University Press, 2000), 10.

جدایی طلب درون کشور پیشین. لذا نمی‌توان از اصل حاکمیت مؤثر، نامشروع بودن جدایی را نتیجه گرفت. اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها نیز اصلی است که مبتنی بر اصل حاکمیت است و از خود اصلاتی ندارد تا آن را دلیلی بر نامشروع بودن جدایی بگیریم. به همین دلیل است که از نظر حقوق بین‌الملل عرفی معیار شناسایی مشروع یک «کشور» حاکمیت مؤثر است و نه مشروعیت داخلی یا بین‌المللی؛

سوم، عملکرد یکسان دولت‌ها در شناسایی یک موجودیت جدا شده که قربانی نقض حقوق بشر بوده است می‌تواند موجب سابقه‌ای عرفی شود که در این حدود به اصل احترام به تمامیت ارضی تخصیص می‌زند. چنانچه تاکنون با شناسایی کشور کوزوو از سوی بیش از شصت کشور می‌توان گفت حداقل در ارتباط با خود آنها چنین عرفی شکل گرفته است؛^{۱۴} چهارم، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه پره آویهر میان کامبوج و تایلند و قضیه اختلافات ارضی میان لیبی و چاد به اصل «حفظ مرزهای موجود» اشاره داشته است و آن را به دو شرط، الزام‌آور دانسته است. مرزهای مورد نظر بین‌المللی باشد و موافقتنامه‌ای دال بر وجود چنین مرزی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر اصل حفظ مرزهای موجود تنها در رابطه با مرزهای میان دو کشور مطرح است و نه در خصوص مرزهای داخلی یک کشور.

۱-۶- اسلام، ایران و مسئله تمامیت ارضی

باتوجه به تهدیدهای مرزی موجود علیه تمامیت ارضی ایران بد نیست به این نکته اشاره کنیم که سرزمین کنونی ایران، تنها سی درصد از ناحیه‌ای وسیع است که در تاریخ با نام‌های «ایران زمین»، «ایران بزرگ» یا «ایران شهر» و در جغرافیا با نام «فلات ایران» شناخته می‌شود. ترفندها و دسیسه‌های بیگانگان و سستی پادشاهان بی‌کفایت گذشته بخش‌های زیادی از این سرزمین کهن را در طول فاصله کوتاه ۱۹۶ ساله از ایران بزرگ جدا نمود که مروری بر چگونگی هریک از این جدایی‌ها به‌رغم تلخی بسیار برای میهن‌گرایان ایرانی جهت الزام جدیت و حساسیت ما دست‌کم برای حفظ سرزمین‌های باقیمانده موجود بسیار آموزنده خواهد بود.

۱۴. سید یاسر ضیایی، «جدایی‌طلبی در حقوق بین‌الملل، تقابل حق تعیین سرنوشت مردم و اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها»، فصلنامه پژوهش حقوقی و سیاست ۳۲ (۱۳۹۰)، ۲۵۶.

بر اساس نصّ صریح قانون اساسی هیچ‌گونه تغییری در مرزهای خشکی و آبی کشور از سوی هیچ فردی مجاز نیست و در آن آشکارا حفظ تمامیت ارضی کشور را به همراه استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی از مهم‌ترین ارکان حفظ کشور عنوان کرده است. در اصل نهم قانون اساسی آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند.»^{۱۵} اصل هفتم و هشتم قانون اساسی نیز تصریح می‌کند: «هرگونه تغییر در خطوط مرزی، ممنوع است.»^{۱۶}

اظهارات بی‌پروای مقامات اماراتی از جمله رئیس اماراتی عبدا... بن زاید وزیر خارجه امارات و عبدالعزیز بن صفر رئیس مرکز پژوهش‌های خلیج فارس درباره جزایر سه‌گانه ایران در خلیج فارس، اکنون به یک رویه تبدیل شده است و اماراتی‌ها در هر فرصتی با تکرار این ادعای کذب سعی در مظلوم‌نمایی به جهانیان و قلب ماهیت یک واقعیت آشکار تاریخی دارند. خوشبختانه ایرانیان تاکنون با هوشیاری برای بی‌اثر کردن این ترفند پان عربیست‌های ضدایرانی، وجود اختلافات میان خود و امارات را همواره رد کرده و این مسائل را صرفاً ادعاهای واهی و غیرقانونی امارات متحده عربی علیه تمامیت ارضی ایران اعلام می‌کنند و همواره در پاسخ به ادعاهای واهی اعراب، ضمن تأکید بر تعلق ابدی این جزایر به ایران، سخنان تجاوزگرانه دشمنان ایران را محکوم کرده‌اند.

۷-۱- تمامیت ارضی از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدد خود تصریح می‌کند: «هدف اول جمهوری اسلامی، حفظ تمامیت ارضی و مرزی خود و تأمین استقلال سیاسی و حکومت ملی است، هدفی که هر دولت، ملتی به دنبال آن است.»^{۱۶} از نگاه قانون اساسی، حفظ استقلال و تمامیت ارضی، نیازمند اتخاذ تدابیر شایسته مادی و معنوی است. تدابیر معنوی متکی به شعور سیاسی، ژرف‌بینی و دوراندیشی زمامداران است و تدابیر مادی، عبارت از ساخت یک ارتش مجهز، تقویت کامل بنیه نظامی، آماده‌باش دائمی نیروهای مسلح و فراتر از آن بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای حفظ قلمرو

۱۵. بهادر زارعی، احمد احمدپور، «قلمرو جغرافیای کشور و قانون اساسی ایران» پژوهش‌های جغرافیایی ۶۱ (۱۳۸۶)، ۶۲.

۱۶. محمود سریع‌القلم، سیاست خارجی ایران پارادیم ائتلاف (تهران: انتشارات مطالعات استراتژیک، ۱۳۷۰)، ۵۲.

ملی از راه مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی است. از این رو، اهمیت حفظ قلمرو ملی کشور تا به آنجاست که حقوق دانان، مهم‌ترین وظیفه قوه مجریه کشور را حفاظت از تمامیت ارضی و دفاع از آن، در مقابل حمله‌های خارجی می‌داند.^{۱۷}

قانون اساسی ایران استقلال همه‌جانبه کشور را در ردیف اهداف متعالی نظام جمهوری اسلامی ایران برشمرده و در اصول متعدد، آن را مورد توجه قرار داده است. به استناد این اصول (سوم، نهم، هفتاد و هشتم، یکصدم، یکصد و چهل و سوم، یکصد و پنجاه و دوم و یکصد و هفتاد و ششم) وحدت ملی و تمامیت ارضی، شرط لازم استقلال محسوب می‌شوند.

جدول ۱- نهادهای مسئول حفظ تمامیت ارضی از نگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^{۱۸}

۱	اصل سوم بند ۱۱	دولت
۲	اصل نهم	ملت
۳	اصل هفتاد و هشتم	مجلس شورای اسلامی
۴	اصل یکصدم	شوراهای شهر و روستا
۵	اصل یکصد و چهل و سوم	نیروهای مسلح
۶	اصل یکصد و پنجاه و دوم	سیاست خارجی
۷	اصل یکصد و هفتاد و ششم	شورای عالی امنیت ملی

۸-۱- نهادهای پاسدار تمامیت ارضی از منظر قانون اساسی

در کشور ما به موجب قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر پاره‌ای از امور عمومی به ترتیب عدم تمرکز اداره می‌شوند شوراهای اسلامی را می‌توان از مصادیق بارز نهادهای غیرمتمرکز محلی به شمار آورد که به موجب اصل هفتم قانون اساسی از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور (عمومی) محسوب می‌شوند. تشکیل شوراهای اسلامی در واقع توجه به منافع محلی است ولی دامنه منافع محلی تا آنجاست که برخلاف منافع ملی اقدامی صورت نگیرد. به عبارت بهتر، در جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور بسیط، اصل حاکمیت ملی بر منافع محلی مقدم است؛ لذا شوراهای اسلامی نباید برخلاف وحدت ملی، تمامیت ارضی، نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی عمل کنند.^{۱۹} قانون اساسی هم هیچ‌گاه

۱۷. هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ۲۲۰.

۱۸. زارعی، ذکی، «اصل تمامیت ارضی از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران»، پیشین، ۲۳۱.

۱۹. محمدرضا چوپانی یزدلی، «چشم‌اندازهای حقوقی شوراهای اسلامی»، مجله بصیرت ۲۵-۲۶ (۱۳۸)، ۲۶۱.

نظام شورایی و شوراها را بخش‌هایی مستقل و خودمختار در درون نظام جمهوری اسلامی قلمداد نمی‌کند و اگرچه نظام شورایی از پایه‌های حکومت اسلامی است اما به آن معنا نیست که موجب تضعیف و یا نابودی سایر اصول و معیارهای حاکم بر حکومت اسلامی شود.^{۲۰}

اصل یکصدم قانون اساسی رعایت اصول «وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی» را برای شوراها لازم دانسته است.

ذیلأً به بررسی این اصول می‌پردازیم:

بند اول - رعایت وحدت ملی: از آنجایی که در کشور جمهوری اسلامی ایران اقوام و نژادهای گوناگونی زندگی می‌کنند و هریک دارای سنت‌ها، آداب و حتی مذاهب مختلفی هستند، دولت جمهوری اسلامی موظف است برای حفظ وحدت ملی که زمینه‌ساز استقلال و قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و غیره است، به هیچ‌یک از اقوام و قومیت‌ها اجازه ندهد که به بهانه آزادی و استقلال خود از کشور جدا شوند و هریک از این فرق در شمال و جنوب و نواحی دیگر، دولت‌های کوچک و مستقل از دولت مرکزی تشکیل دهند.^{۲۱}

بند دوم - حفظ تمامیت ارضی: تمامیت ارضی یعنی حفظ و حراست از محدوده جغرافیایی و مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی در تمام نقاط آن و جلوگیری از تجاوز و نفوذ هر بیگانه‌ای که به قصد جداسازی و تجزیه بخشی از کشور مداخله می‌نماید. حفظ وحدت و تمامیت ارضی نه تنها وظیفه بسیار عمده دولت، بلکه وظیفه فرد فرد یک ملت است. شوراها اسلامی باید مبشر و حافظ این وحدت باشند.

۹-۱- نقش مهم ارتش در حراست از مرزهای کشور

ارتش جمهوری اسلامی به‌عنوان یک نیروی نظامی سازمان‌یافته و در کنار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از اهمیت ویژه‌ای در ساختار نظامی و دفاعی کشور برخوردار است.

در ماده ۲ قانون ارتش جمهوری اسلامی آمده است که «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران عبارتند از ارتش و سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی که بر اساس ضوابط معین پاسداری از حدود و ثغور خاکی، آبی و فضای جمهوری اسلامی در زمان صلح و دفاع و حمله در زمان جنگ را برعهده دارند.»

۲۰. قاسم شعبانی، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴)، ویرایش سوم، ۱۴۹.

۲۱. شعبانی، پیشین، ۹۰.

در اصل ۱۴۳ قانون اساسی آمده است: «ارتش جمهوری اسلامی ایران، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را برعهده دارد.»

همکاری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در حفاظت و حراست از استقلال و تمامیت ارضی کشور در اصل ۱۵۰ قانون اساسی پیش‌بینی شده و همچنین در قانون سپاه پاسداران و قانون ارتش جمهوری اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است.

در ماده ۷ قانون سپاه پاسداران: «همکاری با ارتش جمهوری اسلامی ایران در مواقع لزوم در جهت پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران آمده است.»

همچنین در ماده ۱۳ قانون ارتش در این مورد آمده است: «مأموریت‌های مذکور در بندهای الف، مواد ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و قسمت اول بند د ماده ۱۱ و قسمت آخر ج ماده ۱۲ این قانون چنانچه در زمینه پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی نظام جمهوری اسلامی ایران باشد، مأموریت اصلی برعهده ارتش جمهوری اسلامی ایران بوده و نیروهای سه‌گانه سپاه پاسداران با نیروهای سه‌گانه ارتش همکاری خواهند نمود.»

مطابق ماده ۷ قانون ارتش مأموریت و وظایف ارتش به شرح زیر می‌باشد:

«الف - آمادگی و مقابله در برابر هرگونه تجاوز نظامی علیه استقلال، تمامیت ارضی، نظام جمهوری اسلامی ایران و منافع کشور.»

۱-۱۰-۱- اصول سیاست خارجی در قانون اساسی

مهم‌ترین هدف سیاست خارجی هر کشور حفظ یکپارچگی سرزمینی و وحدت کشور (یا یکپارچگی جغرافیایی) آن است و دیگر هدف‌ها به تبع این هدف بنیادی تعیین می‌شوند. این هدف به گونه معقول، نگرهبانی از مرزها و سرزمین و نیز پشتیبانی از شهروندان را دربرمی‌گیرد.^{۲۲}

اصل ۱۵۲: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است.»

۲۲. عباس نیکزاد، «اصول سیاست خارجی در قانون اساسی»، *رواق اندیشه* ۳۱ (۱۳۸۳)، ۵.
<http://www.ensani.ir/fa/content/49663/default.aspx> (۱۳/۰۵/۱۳۹۵).

اصل ۱۵۳: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است.»

۲- حقوق و آزادی‌های مشروع

۲-۱- حقوق و آزادی‌های بنیادین

همان‌طور که می‌دانیم یکی از اهداف نهایی حقوق اساسی، حمایت از آزادی‌های فردی و اجتماعی افراد در برابر خودسری‌های قدرت هیئت حاکمه می‌باشد و در این راستا قانون اساسی به‌عنوان منشور و پیمان بنیادین ضمن تحدید اقتدار حکمرانان، با تصریح و شناسایی حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در متن خود عملاً به تضمین آزادی‌ها می‌پردازد.

آزادی از مبنای کرامت انسان، پایه دموکراسی و جلوه‌ای از تأمین حقوق فردی و اجتماعی است در عصر روشنگری، صاحب‌نظرانی مانند جان لاک و ژان ژاک روسو، آزادی را به‌عنوان یک حق فردی و اجتماعی مطرح کردند و بسیاری از کشورها با لحاظ آن در قوانین اساسی خود، آن را سنگ‌بنای دموکراسی قلمداد نمودند.^{۲۳}

از دیدگاه اسلام، انسان خلیفه خداست. از این‌رو در انجام تکالیف، از آزادی عمل برخوردار است و شعور و عقل آدمی، او را از حیوانات منفک می‌سازد. از دیدگاه قرآن، عادات و رسوم غلط مانند زنجیری بر افکار انسان و موجب اسارت اوست.

«آزادی» در سایه استقلال و «استقلال» در سایه آزادی و هردو، به شرط وحدت و حفظ تمامیت ارضی کشور، ضامن بقای جمهوری اسلامی است و جز این هرچه باشد یا به «استبداد» می‌انجامد و یا به نفوذ و سلطه «استعمار» و سرانجام استبداد و بریدن از اراده و قدرت مردم، چیزی جز وابستگی به بیگانه و سلطه استعمار نخواهد بود.^{۲۴}

۲-۲- حقوق و آزادی‌های مشروع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی ایران، با پیش‌بینی فصل سوم (اصول ۱۹ تا ۴۲) تحت عنوان «حقوق ملت» مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور، از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملی است.»

۲۳. جعفری، پیشین، ۵.

۲۴. سرمقاله، «آزادی در سایه استقلال»، فصلنامه حکومت اسلامی ۱۳ (۱۳۷۸)، ۳.

قانون اساسی در بیست و سه اصل از فصل سوم، بر حفظ حقوق و آزادی‌های مشروع ملت تأکید کرده است.

طبق این فصل که از فصول درخشان قانون اساسی ایران است و همه قوا و مسئولین دولتی مکلفند در اجرای آن اقدام نمایند، حقوق و آزادی‌های مشروع افراد در نظام اسلامی را می‌توان به شرح ذیل احصاء کرد:

- تساوی عمومی در برابر قانون حتی مقام رهبری؛
 - برابری افراد در برخورداری از حمایت قانون با رعایت موازین اسلامی؛
 - تضمین حقوق زنان و اطفال؛
 - امنیت، حیثیت، جان، مال، حقوق و مسکن؛
 - منع تفتیش عقاید؛
 - آزادی بیان (نوشتاری و گفتاری)؛
 - منع تجسس؛
 - آزادی احزاب و گروه‌های قانونی؛
 - تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌های مسالمت‌آمیز؛
 - امنیت شغلی؛
 - برخورداری از تأمین اجتماعی و رفاه؛
 - حق استفاده از دادرسی عادلانه شامل منع دستگیری خودسرانه، حق دادخواهی، حق انتخاب وکیل، مجازات توسط دادگاه، توجه به اصل برائت؛
 - منع شکنجه و هتک حرمت افراد، اضرار به غیر و حق تابعیت.
- حفظ وحدت و تمامیت ارضی کشور نیز در گرو تأمین حقوق جامعه و مشخصاً حق آزادی مردم است. حکومتی که خود را متعهد به حفظ و تأمین آزادی‌های مشروع مردم و حاکمیت اراده عمومی نداند، سرانجام آن، استبداد و بریدگی از مردم و در نتیجه، تکیه بر بیگانه و افتادن در دامن قدرت‌های خارجی خواهد بود تا جایی که از سر زبونی و برای حفظ قدرت ظاهری و بقای خویش، حاضر به تجزیه کشور و واگذاری بخشی از خاک خود نیز خواهد شد.^{۲۵}
- تجربه‌های بسیار تلخ تجزیه مکرر کشور در رژیم‌های استبدادی گذشته و مقایسه آن با تجربه افتخارآمیز هشت سال دفاع مقدس و مقاومت تاریخی ملت شریف ایران برای حفظ

تمامیت ارضی آن و آزادسازی و جب‌به‌وجب خاک کشور، شاهد گویایی بر حقیقت یادشده است.

نقش دولت و قوه مجریه برای تضمین آزادی، در مقایسه با سایر قوا، مهم‌تر است. بر همین اساس به‌موجب اصل سوم قانون اساسی، دولت مکلف شده تا همه امکانات خود را برای امور زیر به‌کار برد.

- بالا بردن سطح آگاهی عمومی در همه زمینه‌ها، با استفاده صحیح از مطبوعات، رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر؛
- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی؛
- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛
- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش؛
- تأمین حقوق همه‌جانبه افراد، از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

۲-۳- بررسی موردی محدودیت‌های حقوق و آزادی‌ها در جمهوری اسلامی ایران

اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر پایه یک اندیشه نسبیست‌گرا استوار گشته است این اصل در مقام طراحی نظام محدودیت‌های حقوق و آزادی‌های بنیادین به دو محدودیت مقبول در حقوق اساسی نوین و عرف دیگر کشورهای مردم‌سالار اشاره می‌کند.^{۲۶} وجود همین اصل برای تنظیم خطوط قرمز آزادی‌ها کافی به‌نظر می‌رسد، هرچند که خبرگان قانون اساسی در مواردی مانند اصل بیست و چهارم قانون اساسی مسئله اخلال در مبانی اسلام را هم از جمله خطوط قرمز حقوق و آزادی‌های بنیادین قلمداد کرده‌اند.^{۲۷} به‌طورکلی می‌توان خطوط قرمز حقوق و آزادی‌ها در قانون اساسی ایران را به‌صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

- مسئولیت [انسان] در برابر خدا^{۲۸}، بسان درونی‌ترین عنصر نظم‌دهنده به آزادی‌ها و اخلال در مبانی اسلام^{۲۹}؛

۲۶. علی‌اکبر گرجی، «مبانی حقوق عمومی» (تقریرات درسی دوره کارشناسی ارشد، اراک: دانشگاه اراک،

۱۳۸۷)، ۱۰۵.

۲۷. همانجا.

- تجاوز به منافع و مصالح عمومی^{۳۰}؛
- اخلال در حقوق عمومی^{۳۱}؛
- اضرار به حقوق غیر^{۳۲}؛
- نقض (اصل) استقلال (کشور، حکومت، احزاب یا ...) به‌عنوان شاخصه‌ای برای تقیید آزادی احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده^{۳۳}؛
- نقض اصل آزادی؛
- نقض اصل وحدت ملی؛
- نقض اساس جمهوری اسلامی^{۳۴}.

۲-۴- تضمین حقوق و آزادی در پرتو وحدت ملی و تمامیت ارضی

آزادی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در افزایش مشارکت داوطلبانه مردم در امور مختلف کشور، عامل مهم و اساسی در حفظ وحدت و تمامیت ارضی کشور به‌شمار می‌رود. در تشریح نقش و تأثیر وحدت و تمامیت ارضی بر حفظ آزادی‌ها باید عنوان نمود که از آنجاکه برخورداری از آزادی در جامعه در سایه امنیت میسر می‌گردد و تأمین امنیت به‌واسطه برقراری نظم می‌باشد. فلذا در صورت ورود خدشه به وحدت و تمامیت ارضی کشور، نظام سیاسی و حقوقی مستقر در جامعه دستخوش بهم‌ریختگی گردیده و از تأمین نظم و امنیت افراد جامعه، ناتوان می‌شود. در چنین حالتی افراد در برخورداری از آزادی‌ها با مشکلات جدی مواجه می‌گردند.^{۳۵}

۲۸. نک: اصل ۲ بند ۶ ق.ا.ج.ا.

۲۹. نک: اصل ۲۴ ق.ا.ج.ا.

۳۰. نک: اصل ۴۰ ق.ا.ج.ا.

۳۱. نک: اصل ۲۴ ق.ا.ج.ا.

۳۲. نک: اصل ۴۰ ق.ا.ج.ا.

۳۳. نک: اصل ۲۶ ق.ا.ج.ا.

۳۴. گرجی، پیشین، ۱۰۶.

۳۵. محمد تمیزکارمستقیم، «تفکیک‌ناپذیری آزادی استقلال و وحدت و تمامیت ارضی (با تأکید بر اصل ۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷)، ۱۱۹.

از آنچه گفته شد درمی‌یابیم از یک‌سو با تأمین آزادی افراد یک کشور، مشارکت‌های داوطلبانه آنها در امور مختلف آن کشور افزایش می‌یابد و با بالا رفتن مطلوبیت سطح زندگی اجتماعی افراد (و از جمله اقلیت‌ها) در جامعه، حس وفاق ملی و لزوم صیانت از وحدت و تمامیت ارضی تقویت می‌شود. از سوی دیگر در پرتو حفظ وحدت ملی و تمامیت ارضی، نظام سیاسی و حقوقی، نظم و امنیت را در جامعه برقرار نموده و افراد از آزادی‌های خویش بهره‌مند می‌گردند.

پس تأمین آزادی می‌تواند به افزایش مشارکت عمومی مردم و حفظ وحدت و تمامیت ارضی کشور بیانجامد. همچنین که حفظ وحدت و تمامیت ارضی کشور نیز می‌تواند به امکان بهره‌مندی افراد از آزادی‌ها منتج شود.^{۳۶}

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که اگرچه در شرایط عادی، وحدت و تمامیت ارضی با آزادی رابطه متقابل داشته و بر یکدیگر تأثیراتی دوسویه می‌نهند اما در موقع بروز تراحم میان آنها تقدم با کدامیک است.

در حقوق بین‌الملل، هم حفظ تمامیت ارضی و هم صیانت از آزادی‌های اساسی و بنیادین بشر، از قواعد امره محسوب می‌شوند و از این حیث علی‌الظاهر، ترتیبی میان آنها وجود ندارد؛ لکن با توفیق بیشتر در موضوع درمی‌یابیم، با ورود خدشه به وحدت و تمامیت ارضی کشور و بروز بحران و شکل‌گیری حالت فوق‌العاده و استثنائی در کشور، بسیاری از آزادی‌ها ناگزیر هرچند موقتاً تعطیل خواهند شد.^{۳۷}

وضعیت استثنائی هنگامی مطرح می‌گردد که در یک کشور، اداره امور بر اساس قانون اساسی و شناسایی حداقل حقوق و آزادی‌های فردی صورت می‌گیرد ولی به جهات مختلف امنیتی نظامی، سیاسی، یا حوادث طبیعی اداره امور بر اساس قانون اساسی و یا رعایت تمام یا قسمتی از آزادی‌های شناخته‌شده ممکن نیست.^{۳۸}

واقعیت این است که در موقع تراحم حفظ استقلال، قید حفظ آزادی است ولی آزادی، قید حفظ استقلال نیست؛ یعنی من‌حیث‌المجموع می‌گوییم که آزادی محترم است و محفوظ است مگر به استقلال کشور لطمه نزند.

۳۶. همانجا.

۳۷. همان، ۱۲۰.

۳۸. اردشیر امیر ارجمند، «وضعیت اضطراری»، مجله علمی تخصصی حقوق عمومی ۱ (۱۳۸۵)، ۱۸.

۳- تعامل تمامیت ارضی با حقوق و آزادی‌های مشروع

۳-۱- بررسی روابط فی‌مابین حقوق و آزادی‌ها و استقلال و تمامیت ارضی

چنانچه از مفاد اصل ۹ برمی‌آید، پیوند جالب توجهی بین چند مفهوم کلیدی برقرار گردیده است؛ اما این مفاهیم کلیدی کدام مفاهیم هستند؟ به نظر می‌رسد با حذف زوایدی که در توصیف نوشتاری وجود دارد بتوان روی چهار مفهوم توافق کرد. این چهار مفهوم عبارتند از: مفهوم آزادی، مفهوم استقلال، مفهوم وحدت و تمامیت ارضی و نهایتاً مفهوم تفکیک‌ناپذیر بودن؛ اما در اینجا چند نکته لازم است که توضیح داده شوند. اولاً در مورد مفهوم آزادی باید توجه داشت که به نظر می‌رسد می‌توانیم آزادی مشروع را اولین مفهوم کلیدی و مستقل خود در فرایند مدل‌سازی در نظر بگیریم و نکته دوم در مورد استقلال است که البته ابهام کمتری دارد. البته با توجه به توضیحات پایانی اصل نهم معلوم می‌شود که منظور از استقلال صرفاً استقلال سیاسی کشور نیست بلکه جنبه فرهنگی، اقتصادی و نظامی استقلال هم مورد ملاحظه خبرگان قانون اساسی بوده است.

نکته دیگر در مورد وحدت و تمامیت ارضی کشور است. اینک سؤالی که مطرح است این می‌باشد که آیا وحدت یک مفهوم مستقل و تمامیت ارضی مفهوم مستقل دیگری است و یا هر دو یک مفهوم را می‌رسانند؟

اگر تکرار مفاهیم در عبارات پایانی اصل نهم را مورد ملاحظه قرار دهیم معلوم می‌شود که مفهوم وحدت تکرار نشده ولی مفهوم تمامیت ارضی تکرار شده است. با این حال آیا «وحدت به معنای تفاهم و هم‌گرایی مردم است و ملازمه‌ای با تمامیت ارضی ندارد؟» به نظر می‌رسد اگر وحدت را علی‌رغم تکرار نشدن در عبارات پایانی اصل نهم مستقل از تمامیت ارضی بگیریم آنگاه ما با دو مفهوم مستقل و دو متغیر مستقل سروکار خواهیم داشت. در اینجا هم وحدت و تمامیت ارضی را یک مفهوم مستقل در نظر می‌گیریم و بدین ترتیب، به سراغ آخرین مفهوم کلیدی در اصل نهم می‌آییم. این مفهوم تفکیک‌ناپذیری است. ما می‌خواهیم بدانیم تفکیک‌ناپذیر بودن آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی به چه معنایی است و چگونه تجلی می‌یابد. این سؤالی است که پاسخ به آن ما را با مدل‌ها و الگوهای متفاوتی مواجه می‌سازد این مدل‌ها را می‌توان به دو دسته مدل‌های عرضی و مدل‌های طولی تقسیم کرد.

بدین ترتیب فرایند مدل‌سازی بالا ما را به مدل عرضی اصل نهم چنان که در شکل ۱ دیده می‌شود، می‌رساند. در این مدل فرضیات زیر مورد ملاحظه بوده است:



شکل ۱- مدل عرضی اصل نهم^{۳۹}

الف - سه مفهوم کلیدی در اصل نهم موجود است که عبارتند از آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی؛

ب - مفاهیم بالا مفاهیم مستقل از یکدیگر هستند؛

ج - طبیعت هریک از مفاهیم طبیعی صفر و یک است؛

د - اتصال بین مفاهیم از نوع اتصال عطف ترکیبی یا واو منطقی است.^{۴۰}

در موضوع مورد بحث ما، ارتباطات طولی هنگامی به وجود می‌آید که فرضاً استقلال اهمیت بیشتری را نسبت به آزادی و یا وحدت و تمامیت ارضی داشته باشد. بدین ترتیب یک مفهوم می‌تواند بر مفهومی دیگر حاکمیت یابد؛ اما در اینجا، کدام مفهوم را می‌توانیم بر مفاهیم دیگر حاکمیت دهیم؟ این بستگی به تجربیات و شرایط خاصی دارد که شخص تصمیم‌گیرنده در آن قرار می‌گیرد. نوع رابطه طولی و یا حاکمیت را ما در قالب سه سناریوی تاریخی اینک مورد ملاحظه قرار می‌دهیم. این سه سناریو به قضیه تجزیه هرات از خاک ایران در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار، داستان مذاکرات قوام‌السلطنه در شوروی و جریان مبارزات نلسون ماندلا مربوط می‌شود. با توجه به اهمیت آزادی و ضرورت استقلال و تمامیت ارضی کشور، تقابل این دو ایجاب می‌کند که چاره‌اندیشی کنیم. رابطه بین آزادی، تمامیت ارضی و استقلال را به سه شکل می‌توان تبیین کرد.

۳-۲- تقدّم استقلال بر آزادی و تمامیت ارضی

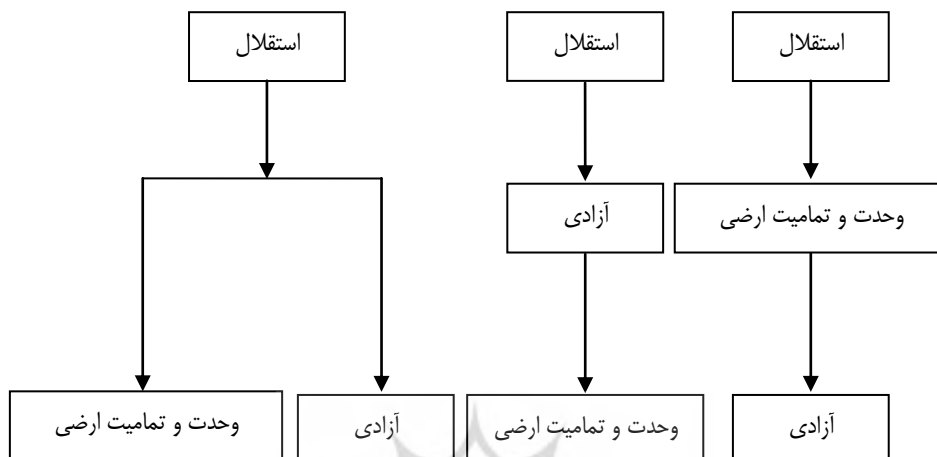
می‌توان فرض کرد مدل ذهنی ناصرالدین‌شاه قاجار در قضیه جدایی هرات از خاک ایران مطابق با الگویی بوده است که در آن استقلال بر وحدت و تمامیت ارضی اولویت، ارجحیت و یا حاکمیت داشته است؛ زیرا پس از اینکه دولت انگلستان تهدید به مداخله می‌نماید،

۳۹. محمدعلی صنیعی منفرد، «نقش مدل‌سازی علمی در پیاده‌سازی برخی از اصول قانون اساسی، مورد اصل

نهم»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۵۳ (۱۳۸۰)، ۶۰.

۴۰. همانجا.

ناصرالدین شاه می‌پذیرد که هرات رسماً از خاک ایران جدا شود و درمقابل استقلال سیاسی کشور حفظ گردد.



۳-۳- تقدم تمامیت ارضی بر آزادی و استقلال

در قضیه اشغال خاک آذربایجان توسط نیروهای شوروی، قوام‌السلطنه نخست‌وزیر وقت دولت ایران به مسکو سفر می‌کند و در آنجا با استالین رهبر اتحاد جماهیر شوروی به مذاکره می‌پردازد.

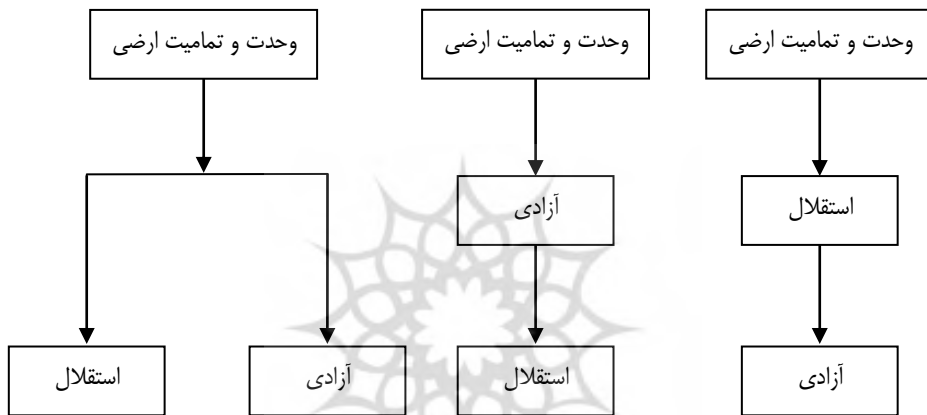
در این مذاکرات، امتیاز واگذاری نفت شمال (دریای خزر) به‌عنوان یک امتیاز اقتصادی به استالین واگذار می‌گردد و درمقابل استالین موافقت می‌کند که سربازان خود را از خاک ایران بیرون بکشد.^{۴۱}

واگذاری امتیاز نفت شمال به دلیل اینکه باید به تصویب مجلس شورای ملی می‌رسید عملاً تحقق نمی‌یابد ولی سربازان شوروی طبق قرار خاک ایران را ترک می‌کنند.

با این حال در یک نگرش، واگذاری امتیاز نفت شمال خدشه وارد کردن به استقلال اقتصادی ایران محسوب می‌گردد، اما درمقابل این صرف‌نظر کردن و امتیاز دادن ظاهراً وحدت و تمامیت ارضی ایران به‌دست آمده است. با این حساب شاید بتوان گفت در مدل ذهنی قوام‌السلطنه، وحدت و تمامیت ارضی از هر امر دیگر از جمله استقلال اقتصادی

۴۱. باقر عاقلی، «میرزا احمدخان قوام‌السلطنه» (تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۷۶)، ۲۷۵.

بااهمیت‌تر بوده است و بنابر آن هرچه در تضاد و ناسازگاری با تمامیت ارضی کشور قرار گیرد قابل‌صرف‌نظر کردن است.^{۴۲} چنانچه واقع‌بینانه به موضوع بنگریم درمی‌یابیم در موارد تزاخم میان آزادی با استقلال و تمامیت ارضی حفظ استقلال و تمامیت ارضی مقدم بر آزادی می‌باشد زیرا در عمل با پایمال شدن استقلال و تمامیت ارضی نظم و امنیت در جامعه رخت برمی‌بندد که به دنبال آن، حقوق و آزادی‌های افراد جامعه سلب خواهد شد. در چنین شرایطی افراد از حقوق ذاتی بشر و آزادی‌های اساسی برخوردار نبوده و حتی حق حاکمیت افراد بر تعیین سرنوشتشان نادیده انگاشته می‌شود.



۳-۴- تقدّم آزادی بر استقلال و تمامیت ارضی

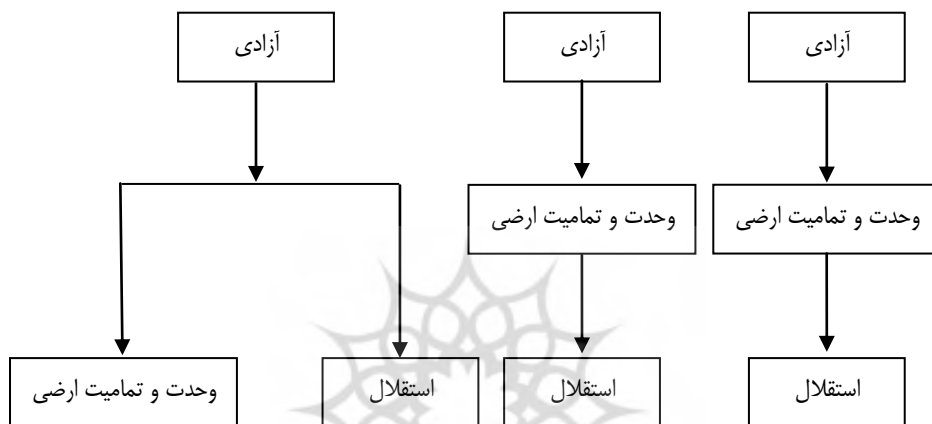
در این دیدگاه آزادی بر تمامیت ارضی رتبه تقدّمی دارد و همه قوانین و راهکارها باید در اولویت آزادی تنظیم شوند. هدف از این تقدّم، جلوگیری از استبداد حاکمان و امنیتی شدن فضای جامعه است. در این چرخه، فقدان آزادی، به اختناق می‌انجامد.^{۴۳}

در دوران معاصر مبارزات طولانی‌مدت نلسون ماندلا و دوستان ایشان در آفریقای جنوبی بر علیه جدایی نژادی یا آپارتاید نمونه دیگری از مدل‌های ذهنی سیاستمداران را به نمایش می‌گذارد. برای ماندلا و دوستانش آزادی اکثریت سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی از یوغ حکومت نژادپرست سفیدپوست اهمیت و اولویت زیادی داشته است و اگر قرار بود که آفریقای جنوبی تقسیم شود، یعنی وحدت و تمامیت ارضی آفریقای جنوبی خدشه‌دار شود و مثلاً دو کشور

۴۲. صنیعی منفرد، پیشین، ۶۰.

۴۳. جعفری، پیشین، ۱۰.

سیاه‌پوست و سفیدپوست تشکیل گردد به نظر نمی‌رسد که نلسون ماندلا از آن طرفداری نمی‌کرد و مثلاً می‌گفت تمامیت ارضی بر آزادی سیاهان اولویت دارد. البته روشی که سیاه‌پوستان و سفیدپوستان آفریقای جنوبی پیش گرفتند موجب تفکیک و تقسیم نشد؛ اما باین حال می‌توان این تصور را داشت که در این داستان آزادی بر دو مفهوم دیگر ارجحیت و حاکمیت دارد، چنان که در سه الگوی شکل زیر دیده می‌شود.^{۴۴}



برخی از حقوق‌دانان با تأکید بر اهمیت صیانت از آزادی‌های بنیادین که امروزه جز حقوق ذاتی به‌شمار می‌روند این دسته از آزادی‌ها را مقدم بر کلیه امور و شئون دانسته و تضییق یا تحدید آن را به هیچ دلیل و عنوانی، قابل قبول نمی‌دانند. چنانچه در تشریح این عقیده بیان نموده‌اند:

... موجودیت قانون اساسی مبتنی بر برتری مردم است. به عبارتی منظور آن است که در رابطه اقتدارآمیز حکومتی از یک‌سو و حق‌طلبی شهروندان نوعاً ضعیف از سوی دیگر، آزادی آسیب‌پذیر می‌شود. بدین جهت است که در قانون اساسی تأکید بر آن است که آزادی حتماً بایستی مرتبه بالاتری داشته باشد. غیر از اینکه ما به برتری قانون اساسی در مجموعه قوانین قائلیم در اندرون قانون اساسی برای حقوق مردم برتری قائل هستیم.^{۴۵} اینجاست که در واقع حکام و زمامداران در اداره امور بایستی به‌نحوی عمل کنند که بر حاکمیت مردم خدشه و

۴۴. صنیعی منفرد، پیشین، ۷۰.

۴۵. امیر ارجمند، پیشین، ۱۷.

لطمه‌ای وارد نشود. حتی خود نمایندگان مردم که ادعا دارند به نمایندگی از طرف مردم به وضع قانون می‌پردازند. در قانون‌گزینی حق تعرض به حقوق و آزادی‌های مردم را ندارند ... در قوانین اساسی معمولاً برای اینکه آزادی تأمین و تضمین بشود، نوعاً و منطقیاً بعضی حقوق و آزادی‌ها را در قواعد نمی‌آورند بلکه به صورت اعلامیه در دیباچه و مقدمه قانون ذکر می‌کنند که بهانه‌ای در دست زمامداران برای تعرض بر حقوق افراد نباشد.^{۴۶} با وجود این بسیاری از قوانین اساسی حقوق بشر را در یکی از فصول قانون اساسی قرار می‌دهند.^{۴۷} مثل قانون اساسی کشور خودمان منتهی در قانون اساسی ما هم بر این امر تأکید شده، ذیل اصل ۹ قانون اساسی ذکر می‌کند که هیچ مقامی حق ندارد حتی با وضع قانون مردمی، حقوق و آزادی‌های مشروع مردم را سلب کند.^{۴۸}

طرفداران نظریه فوق، در توجیه تقدم آزادی‌های بنیادین بر سایر شئون از جمله استقلال تمامیت ارضی به قاعده آمره بودن حقوق ذاتی بشر و از جمله آن آزادی‌های بنیادین استناد می‌نمایند.

در توضیح این نکته که قاعده آمره، قاعده‌ای است که توسط اجماع اعضای جامعه بین‌المللی کشورها، به عنوان قاعده‌ای تخلف‌ناپذیر به رسمیت شناخته شده است.

رعایت حقوق بنیادین بشر و آزادی‌های اساسی و نیز احترام به استقلال و تمامیت ارضی کشورها هر دو از قواعد اساسی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند و علی‌الظاهر از این حیث هیچ‌گونه تقدم و ترتیبی بر یکدیگر ندارند.^{۴۹} امروزه شاهد آنیم که برخی کشورهای سلطه‌گر با متمسک شدن بر ضرورت حفاظت و پاسداری از حقوق ذاتی بشر و آزادی‌های بنیادین و با قاعده آمره و اجباری تلقی کردن آن راه را برای ارتکاب هرگونه اقدام غیرمعارف و غیرقانونی گشوده‌اند و حتی تا آنجا پیش رفته‌اند که با پایمال نمودن استقلال و تمامیت ارضی کشورها در عمل، حقوق و آزادی‌های افراد آن کشور را نیز منکوب کرده‌اند.^{۵۰}

۴۶. سید قاسم زمانی، «حمایت از اقلیت‌ها در اسناد جهانی حقوق بشر»، مجله پژوهش حقوق و سیاست ۱۵ (۱۳۸۴)، ۱۶۸.

۴۷. امیر ارجمند، پیشین، ۱۸.

۴۸. سید محمد هاشمی، «حوزه حقوق عمومی»، مجله علمی تخصصی حقوق عمومی (دوماهنامه) ۱ (۱۳۸۵)، ۲۱.

۴۹. تمیز کارمستقیم، پیشین، ۱۰۸.

۵۰. همانجا.

چنانچه واقع‌بینانه به موضوع بنگریم درمی‌یابیم در موارد تزامم میان آزادی با استقلال و تمامیت ارضی حفظ استقلال و تمامیت ارضی مقدم بر آزادی می‌باشد زیرا در عمل با پایمال شدن استقلال و تمامیت ارضی نظم و امنیت در جامعه رخت برمی‌بندد که به دنبال آن، حقوق و آزادی‌های افراد جامعه سلب خواهد شد. در چنین شرایطی افراد از حقوق ذاتی بشر و آزادی‌های اساسی برخوردار نبوده و حتی حق حاکمیت افراد بر تعیین سرنوشتشان نادیده انگاشته می‌شود.

و از طرف دیگر در هنگام بروز تزامم میان آنها و مقدم پنداشتن حفظ استقلال و تمامیت ارضی بر آزادی‌ها، با هدف حفظ آزادی‌ها بوده و اگر به لحاظ شرایط بحرانی و خاص، موقتاً در راستای حمایت از استقلال و تمامیت ارضی، آزادی محدود گردد، خود این اعمال محدودیت موقت بر آزادی در راستای پایداری طولانی‌مدت آزادی‌هاست و به برقراری مجدد آزادی می‌انجامد.

آزادی به‌عنوان حق افراد، استقلال به‌عنوان حق جامعه و تمامیت ارضی به‌عنوان حق قلمرو، ارتباط تنگاتنگ و متقابلی با یکدیگر دارند بدین شرح که با برخورداری افراد جامعه از آزادی‌ها، پستوانه مردمی تأمین استقلال و وحدت و تمامیت ارضی تقویت می‌گردد و متقابلاً در پرتو استقلال و وحدت و تمامیت ارضی است که امکان بهره‌مندی افراد از آزادی‌ها فراهم می‌شود پس به‌طور عادی، اصول سه‌گانه یادشده (آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی) با یکدیگر ملازمه داشته و هم‌دوش یکدیگرند.

اما باید توجه داشت که شرایط حاکم بر جامعه، ثابت نیست و در موارد برخورد و مواجهه جامعه با بحران‌های گوناگون، روابط متعارف و متداول تنسیق‌یافته در جامعه، برهم می‌خورد تا آنجا که در حالت فوق‌العاده و استثنائی احتمال بروز تزامم میان آزادی‌ها و حفظ استقلال، وحدت و تمامیت ارضی مطرح می‌شود.

در چنین مواقعی چنانچه یک اصل را بر دیگری ترجیح ندهیم، نظام اجتماعی دچار فروپاشی شده و به‌تبع آن آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی پایمال می‌گردد. فلذا می‌بایست الزاماً یکی از اصول را بر دیگری مقدم دانست.

برخورداری از آزادی در سایه وجود امنیت و نظم میسر می‌گردد و امنیت و نظم نیز نشئت‌گرفته از نظام سیاسی و حقوقی موجود در جامعه است؛ بنابراین از آنجاکه در صورت ورود خدشه به استقلال و تمامیت ارضی کشور، نظام سیاسی و به‌تبع آن نظام حقوقی موجود در

جامعه دچار تشویش و به‌هم‌ریختگی گردیده و به دنبال آن نظم و امنیت از جامعه رخت برمی‌بندد و عدالت و آزادی پایمال می‌شود.

۴- نگاه مختصر تطبیقی

مهم‌ترین منبع در عرصه بین‌المللی که همانا منشور ملل متحد است در ماده ۲ بند ۴ بیان می‌دارد:

«کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد، خودداری خواهند نمود.»

در این راستا جامعه بین‌المللی از حقی یاد می‌کند که نمی‌تواند تکه‌تکه شود و این منظور را به رسمیت نمی‌تواند بشناسد و به‌نظر می‌رسد، ممنوع باشد.^{۵۱}

به‌نظر می‌رسد حاکمیت دولت‌ها تعیین‌کننده میزان اعمال قدرت بر تمامیت ارضی باشد. حاکمیت در چهارچوب معنایی خود یک توسعه مهم را دربردارد و توجه به این معانی به صورتی است که معمولاً به‌عنوان بیان قدرت یک دولت قابل‌درک باشد. حاکمیت یک مسئله پیچیده است، اما استفان کرزنر معتقد است چهار غالب مشخص در خصوص شیوه‌های تفکر در مورد حاکمیت وجود دارد: «حاکمیت وابستگی متقابل، حاکمیت داخلی، حاکمیت حقوق بین‌المللی و حاکمیت وستفالیایی.»^{۵۲} این نگاه کرزنر ما را به این سمت رهنمون می‌سازد که حاکمیت یک ابزار حفظ تمامیت ارضی با اتکاء به قدرت است.

هرچند حفظ تمامیت ارضی علاوه بر داشتن چشم‌انداز امنیتی، نحوه تعامل در عرصه بین‌المللی و همچنین میزان مقبولیت و پابندی به تعهدات را شامل می‌شود. آنچه که امروز ما در خاورمیانه شاهد آن هستیم و حفظ تمامیت ارضی کار بسیار دشواری شده است. در واقع می‌توان گفت حفظ تمامیت ارضی برای نیمی از کشورهای جهان کار سختی است و این مهم به واسطه حمایت دیگر کشورها صورت می‌پذیرد.

به‌زعم هانس یواخیم هنتز استقلال ارضی زمینه‌ساز حفظ تمام و کمال تمامیت ارضی است. این بدان معناست که تحت اصل تمامیت ارضی صلاحیت عام یا حاکمیتی و صلاحیت

51. Stuart Elden, "Contingent Sovereignty, Territorial Integrity and the Sanctity of Borders," *SAIS Review* XXVI.No1.12 (2006): 2-12.

52. Michael Walzer, *Just and Unjust Wars: A Moral Argument with Historical Illustrations* (New York: Basic Books, 1992), Second Edition, see particularly 57.108.

خاص یا دولتی اعمال می‌گردد. این صلاحیت‌ها در یک قلمرو ارضی اعمال می‌گردد.^{۵۳} با این رویکرد، در حال حاضر برخی کشورهای حوزه خاورمیانه نظیر عراق، سوریه، یمن، بحرین دچار ضعف در حفظ تمامیت ارضی بوده که این ناشی از نقض استقلال این کشورهاست. همچنین در حوزه شبه‌قاره، کشور پاکستان که همواره با خطر تروریسم روبه‌رو بوده دچار اختلال در سیستم حفظ حاکمیت مرزی و تمامیت ارضی خود است.

در این راستا علاوه بر اختلال در سیستم تمامیت ارضی، نقض حقوق بشر نیز دیده می‌شود. طبیعت این مسئله حفظ آزادی‌های مشروع و حقوق به رسمیت شناخته شده انسانی است. در واقع امنیت انسانی ارتباط مستقیمی با حفظ استقلال و تمامیت ارضی دارد. از این رو حاکمیت‌های مشروط نظیر حاکمیت‌های کشورهای آفریقایی بر تمامیت ارضی اثر دارد. با این توصیف در مقایسه جمهوری اسلامی ایران و برخی کشورهای خاورمیانه هم‌جوار شرایط پیرامونی حفظ تمامیت ارضی مشخص می‌گردد:

موضوعات قابل رجوع	جمهوری اسلامی ایران	عراق - سوریه - بحرین
استقلال ارضی	کاملاً حفظ گردیده است.	کاملاً حفظ نگردیده است.
تمامیت ارضی	کاملاً حفظ گردیده است.	کاملاً حفظ نگردیده است.
قلمروهای سرزمینی و فرهنگی	کاملاً حفظ گردیده است.	کاملاً حفظ نگردیده است.
حفظ آزادی‌های مشروع	متناسب با هنجارهای ملی	مغایرت با وضعیت استاندارد
حقوق و امنیت انسانی	متناسب با وضعیت فعلی	ناتوانی در حفظ وضعیت استاندارد
امنیت زیست‌محیطی	کارکرد مثبت در اشاعه و حفظ آن	ناتوانی و بی‌مبالاتی در حفظ آن
وضعیت جهانی به لحاظ امنیت	در حال حاضر جزء امن‌ترین کشورهای جهان است.	در حال حاضر جزء ناامن‌ترین کشورهای جهان هستند.

در همین راستا مقایسه جمهوری اسلامی ایران با کشور ترکیه و پاکستان نیز می‌تواند قابل توجه باشد:

53. Hans-Joachim Heintze, "Territorial Autonomy: A Possible Solution of Self-Determination Conflicts?" (Paper Delivered at Autonomy for Papua—Opportunity or Illusion? (Conference), June 4-5, 2003, <http://home.snafu.de/watchin/AfP2003heintze.htm>), 5.

موضوعات قابل رجوع	جمهوری اسلامی ایران	ترکیه	پاکستان
استقلال ارضی	کاملاً حفظ گردیده است.	کاملاً حفظ گردیده است.	حفظ گردیده است.
تمامیت ارضی	کاملاً حفظ گردیده است.	کاملاً حفظ گردیده است.	حفظ نگردیده است.
قلمروهای سرزمینی و فرهنگی	کاملاً حفظ گردیده است.	کاملاً حفظ گردیده است.	حفظ گردیده است.
حفظ آزادی‌های مشروع	متناسب با هنجارهای ملی	متناسب با هنجارهای ملی	تضاد با هنجارهای ملی
حقوق و امنیت انسانی	متناسب با وضعیت فعلی	متناسب اما با نوسان با وضعیت فعلی و تهدیدات داخلی	نامتناسب با وضعیت پیش رو و تهدید تورسیسم
امنیت زیست‌محیطی	کارکرد مثبت در اشاعه و حفظ آن	کارکرد مثبت در اشاعه و حفظ آن و توسعه تورسیسم	حفظ مقطعی
وضعیت جهانی به لحاظ امنیت	در حال حاضر جزء امن‌ترین کشورهای جهان است.	در حال حاضر جزء کشورهایی با امنیت ۷۰٪ است.	در حال حاضر جزء کشورهای با امنیت ۴۰٪ است.

آنچه که در بالا مورد مقایسه قرار گرفت با توجه به وضعیت پیش رو و بر اساس منابع دیداری و شنیداری بوده و طبیعتاً این مقایسه نسبی می‌باشد. ولیکن ما را از هدف پژوهشمان دور نکرده بلکه بر عمق مسئله تأکید دارد.

نتیجه

از آنچه گفته شد درمی‌یابیم در مواقع بروز تراحم میان اصول، آزادی و حفظ وحدت و تمامیت ارضی، تقدّم با حفظ وحدت و تمامیت ارضی است زیرا با نقض تمامیت ارضی یک کشور، امنیت نظام اجتماعی هم بهم خورده و نظام حقوقی و سیاسی از تأمین و حمایت آزادی‌های افراد ناتوان می‌گردد. بدین معنا که تحقق آزادی‌های مشروع فردی و اجتماعی، زمینه‌ساز استقلال سیاسی و موجب حفظ تمامیت ارضی خواهد شد. حفظ استقلال کشور و تمامیت ارضی، وظیفهٔ احاد ملت و مسئولین است و استقلال کشور در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی، موجب اقتدار کشور در مقابل تهدیدهای داخلی و خارجی خواهد شد و وحدت ملی را تقویت می‌کند.

فلذا با هدف حفظ وحدت و تمامیت ارضی و در راستای صیانت از آزادی‌ها می‌توان آزادی‌ها را مقید نمود. البته باید توجه داشت که توقف میان آزادی، وحدت و تمامیت ارضی به معنای تفکیک‌ناپذیری اصول یادشده نمی‌باشد بلکه تقدّم وحدت و تمامیت ارضی بر آزادی‌ها، با هدف حفظ آزادی‌ها و پایداری آنها می‌باشد.

اگرچه حفظ تمامیت ارضی چه از منظر ملی و چه از منظر بین‌المللی بسیار پراهمیت است اما حیات آن بستگی به استقلال ارضی دارد. شاید مرزهای کشیده‌شده قلمرو حاکمیتی را تعیین کند و قلمرو محل حکمرانی را مشخص نماید اما به‌نظر می‌رسد حفظ تمامیت ارضی همگام با حفظ آزادی‌های مشروع محدود به سرزمین نباشد. این قلمرو علاوه‌بر سرزمین، فرهنگ و جمعیت را شامل می‌گردد؛ بنابراین حفظ تمامیت ارضی در تعامل مستقیم با امنیت انسانی است. برخی کشورهای حوزه خاورمیانه نمونه مشخص اختلال در وضعیت و موقعیت حفظ تمامیت ارضی هستند.

در پایان باید عنوان نمود الگوی تقدم حفظ استقلال و وحدت و تمامیت ارضی بر آزادی‌ها خاص موارد استثنائی و فوق‌العاده بوده و نباید به الگوی عادی و روزمره جهت سلب و تحدید آزادی‌ها تبدیل شود و موجبات سوءاستفاده هیئت حاکمه را در برخورد غیرموجه با حقوق افراد فراهم آورد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ابراهیمی، حسین. *اسلام و حقوق بین‌الملل*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- امیرارجمند، اردشیر. «وضعیت اضطراری». *مجله علمی تخصصی حقوق عمومی* ۱ (۱۳۸۵): ۱۸-۱۶.
- تمیزکارمستقیم، محمد. «تفکیک‌ناپذیری آزادی استقلال و وحدت و تمامیت ارضی (با تأکید بر اصل ۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- جعفری، عباس. «تعامل آزادی و امنیت». *مجله تعالی حقوقی* ۷ (۱۳۸۹): ۱۱-۵.
- چوپانی یزدلی، محمدرضا. «چشم‌اندازهای حقوقی شوراهای اسلامی». *مجله بصیرت* ۲۶-۲۵ (۱۳۸۰): ۲۴۹-۲۷۲.
- زارعی، بهادر، احمد احمدپور. «قلمرو جغرافیای کشور و قانون اساسی ایران». *پژوهش‌های جغرافیایی* ۶۱ (۱۳۸۶): ۷۲-۵۹.
- زارعی، بهادر، یاشار ذکی. «اصل تمامیت ارضی از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران». *پژوهش جغرافیایی انسان* ۷۸ (۱۳۹۰): ۲۳۶-۲۲۱.
- زمانی، سید قاسم. «حمایت از اقلیت‌ها در اسناد جهانی حقوق بشر». *مجله پژوهش حقوق و سیاست* ۱۵ (۱۳۸۴): ۱۸۷-۱۴۵.
- ساعد، نادر. «مفهوم تمامیت ارضی در نظم حقوق بین‌المللی». *مجله پژوهش حقوقی* ۷ (۱۳۸۳): ۳۷-۳۱.
- سرمقاله. «آزادی در سایه استقلال». *فصلنامه حکومت اسلامی* ۱۳ (۱۳۷۸): ۸-۳.
- سریع‌القلم، محمود. *سیاست خارجی ایران پارادیم ائتلاف*. تهران: انتشارات مطالعات استراتژیک، ۱۳۷۰.
- سیما، برنو. «ناتو، سازمان ملل و جنبه‌های حقوقی استفاده از زور». ترجمه محمدجعفر قنبری جهرمی. *مجله حقوقی* ۲۴ (۱۳۷۸): ۳۶۶-۳۱۷.
- سیمبر، رضا. «منع تجاوز، مصونیت مرزی و وحدت سرزمینی در حقوق بین‌الملل». *مجله سیاسی اقتصادی* ۱۷۰-۱۶۹ (۱۳۸۰): ۷۵-۷۰.
- شعبانی، قاسم. *حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران*. ویرایش سوم. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.
- صنیعی منفرد، محمدعلی. «نقش مدل‌سازی علمی در پیاده‌سازی برخی از اصول قانون اساسی، مورد اصل نهم». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی* ۵۳ (۱۳۸۰): ۷۵-۵۵.
- ضیایی، سید یاسر. «جدایی‌طلبی در حقوق بین‌الملل، تقابل حق تعیین سرنوشت مردم و اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها». *فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست* ۳۲ (۱۳۹۰): ۲۶۴-۲۳۱.

عاقلی، باقر. *میرزا احمدخان قوام‌السلطنه*. تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۶.
 گرجی، علی‌اکبر. «مبانی حقوق عمومی». تقریرات درسی دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه اراک، مهر ۱۳۸۷.

مجتهدزاده، پیروز. *جغرافیای سیاسی - سیاست جغرافیایی*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
 نیکزاد، عباس. «اصول سیاست خارجی در قانون اساسی». *رواق اندیشه* ۳۱ (۱۳۸۳)،
<http://www.ensani.ir/fa/content/49663/default.aspx> (۱۳۹۵/۰۵/۱۳).

هاشمی، سید محمد. *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۴.
 هاشمی، سید محمد. «حوزه حقوق عمومی». *مجله علمی تخصصی حقوق عمومی (دوماهنامه)* ۱ (۱۳۸۵): ۱۹-۲۷.

ب) منابع انگلیسی

Elden, Stuart. "Contingent Sovereignty, Territorial Integrity and the Sanctity of Borders." *SAIS Review* XXVI. No. 1 (2006): 2-12.

Heintze, Hans-Joachim, "Territorial Autonomy: A Possible Solution of Self-Determination Conflicts?," Paper Delivered at Autonomy for Papua—Opportunity or Illusion? (Conference), June 4-5, 2003.
<http://home.snafu.de/watchin/AfP2003heintze.htm>. (Accessed August 3, 2016).

Roth, Brad R. *Governmental in Illegitimacy International Law*. Oxford University Press, 2000).

Walzer, Michael. *Just and Unjust Wars: A Moral Argument with Historical Illustrations*. Second Edition. New York: Basic Books, 1992.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVIII, No. 2

2019-2

- ◆ **Attorney's Criminal Liability**
Dr. Bizhan Hajiazizi - Seyyedeh Maryam Etemad
- ◆ **Conflict between Public Interests of the Community and the Individual Interest of the States**
Dr. Hoorieh Hosseini Akbarnezhad
- ◆ **Access to Sufficient Food as a Human Right in the Legal System of World Trade Organization**
Dr. Najmeh Razmkhah
- ◆ **A Criticism of Article 137 of Islamic Criminal Law regarding Crime Recidivism**
Azadeh Ghorbani - Arezoo Ghorbani
- ◆ **The Problem-Oriented Policing and Fear of Crime**
Dr. Seyyed Mahdi Seyyedzadeh Sani - Saeed Kermani
- ◆ **The Interaction of Territorial Integrity with Rights and Legitimate Freedoms under Domestic and International Law**
Dr. Hedieh Sadat Mirtorabi - Dr. Sobhan Tayebi
- ◆ **Reduction Process of Capital of Corporation in Iran and UK Laws**
Hamid Shali
- ◆ **Legal Analysis of Mobile Number Portability in Iran, in the Light of Comparative Studies**
Seyyed Hashem Maddah Hosseini - Rajab Fallahi - Sara Mortezagholi
- ◆ **Effects of the Disclaimer or Limitation of Liability Clauses in Iranian Law with a Review in the English Legal System**
Dr. Hojjat Mobayen - Amin Amirhosseini
- ◆ **The Mechanisms for Protecting the Right to Use the Mother Tongue in International and National Institutions**
Dr. Seyyed Ghasem Zamani - Farhad Abedini Saadabad
- ◆ **The Privilege against Self-Incrimination in International Courts**
Alireza Gharaghani

